



Azarshahr Qadamgah Islamic shrine or Parthian shrine?

Saeid Sattarnezhad

Ph.D. Student Archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2020/11/24.

Accepted: 2021/01/29.

Published Online 2021/02/03

 10.30699/athar.41.1.78

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Saeid Sattarnezhad

Ph.D. Student Archaeology,
University of Mohaghegh
Ardabili, Ardabil, Iran

Email:

saeidsattarnezhad@yahoo.com

ABSTRACT

After the discovery of Iranian rock shrines in recent decades, the nature of these works has always been debated. Very faint and vague traces from the era of the emergence of these surviving works, the possibility of accurate and absolute chronology and absolute use for researchers and enthusiasts of difficult rock works. On the other hand, the rocky and cave nature of these neighborhoods has led most scholars to attribute it to the cult of Mehr; However, no evidence of the seal of worship has been discovered or identified in these sacred spaces. Rock shrines are among the valuable works of Iranian architecture that the nature of use and chronology of these works has always been discussed. In this research, Qadamgah shrine in Azarshahr city has been studied by comparative and historical studies-analysis method and seeks to answer the following questions: 1. What is the relative chronology of Qadamgah based on archeological and architectural evidence? 2. What was the functional nature of this handicraft space? This research seeks to provide a more acceptable history and function for this shrine through a comparative study and review of some details, while examining and recognizing this sacred space. According to this research, according to the available evidence, this handicraft space is a rock shrine (monastery) related to the Islamic Middle Ages. Accordingly, attributing this area to the ritual of love has been far from the mind. Finally, although the chronology of other rock shrines requires independent research, perhaps the dating and relative use of the Azarshahr Qadamgah rock shrine may pave the way for other similar handicrafts.

Keywords: Azarshahr Qadamgah, rock architecture, rock shrines, Islamic period, Mehr shrine

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Sattarnezhad S. (2020). Azarshahr Qadamgah Islamic shrine or Parthian shrine? *Athar*. 41 (1), 92-107

مقاله پژوهشی

قدمگاه آذرشهر نیایشگاه اسلامی یا همراه اشکانی؟

سعید ستارنژاد*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵	پس از کشف نیایشگاه‌های صخره‌ای ایران در چند دهه اخیر، ماهیت این آثار همواره مورد بحث بوده است. ردپای بسیار کم‌رنگ و مبهم از عصر پدید آمدن این آثار به‌جای مانده، امکان گاهنگاری و کاربری دقیق و مطلق برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار صخره‌ای دشوار کرده است. از سویی دیگر، ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته است؛ که آن‌را به آیین مهرپرستی نسبت دهند؛ این در حالی است که شواهدی از آیین مهرپرستی در این فضاهای قدسی کشف و شناسایی نگردیده است. نیایشگاه‌های صخره‌ای از جمله آثار ارزشمند معماری ایرانی هستند که ماهیت کاربری و گاهنگاری این آثار همواره مورد بحث بوده است. در این پژوهش نیایشگاه قدمگاه در شهرستان آذرشهر به روش مطالعات تطبیقی و تاریخی - تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. گاهنگاری نسبی قدمگاه براساس شواهد باستان‌شناختی و معماری متعلق به چه دورانی است؟ ۲. ماهیت کارکردی این فضای دستکند چه بوده است؟ این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی و بازشناسی این فضای قدسی، از طریق مطالعه تطبیقی و بررسی برخی جزئیات، تاریخ و کارکرد قابل قبول‌تر، برای این نیایشگاه ارائه دهد. بر اساس پژوهش حاضر، با مدارک موجود این فضای دستکند، یک نیایشگاه صخره‌ای (خانقاه) مربوط به سده‌های میانی اسلامی بوده و به‌نظر می‌رسد منسوب دانستن این محوطه به آیین مهرپرستی دور از ذهن بوده است. در نهایت، اگر چه گاهنگاری دیگر نیایشگاه‌های صخره‌ای نیازمند پژوهش مستقل است، شاید گاهنگاری و کاربری نسبی نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه آذرشهر بتواند راهگشایی برای دیگر آثار دستکند مشابه باشد.
نویسنده مسئول: سعید ستارنژاد دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران پست الکترونیک: saeidsattarnejad@yahoo.com	کلیدواژه‌ها: قدمگاه آذرشهر، معماری صخره‌ای، نیایشگاه‌های صخره‌ای، دوران اسلامی، معبد مهر
حق کپی رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.	

ستارنژاد سعید (۱۳۹۹). قدمگاه آذرشهر نیایشگاه اسلامی یا همراه اشکانی؟. فصلنامه علمی اثر. ۴۱ (۱)، ۹۲-۱۰۷

مقدمه

ریس نیاسر کاشان (Razmjou and Amin Tafreshi, 2010: html)، قلعه کوهزاد (Azad, 2005: 60)، قوری قلعه (Alibaigi et al, 2017)، دکان داوود، بیشابور کازرون (Homayoun, 1972)، معبد موساسیر و گوردخمه فخری کا (Raisinia, 1989/1: 415)، بخشی از غار کرفتو در کردستان (Hozhabri, 2018) با آیین مهرپرستی مرتبط گرفته شده است.

نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه آذرشهر، جزء نخستین نیایشگاه‌هایی که با عنوان معبد مهرپرستی معرفی شده است (Varjavand, 1976) بر همین اساس این محوطه بستری مناسب برای پی بردن به چیستی و دلایل انتساب این نیایشگاه به آیین مهرپرستی است؛ بنابراین درک صحیح از این مجموعه و تفسیر زمان ایجاد آن در چارچوب گاهنگارانه و تحلیل کاربری فضاهای آن می‌تواند خود زمینه مطالعاتی مناسبی برای تفسیر سایر نیایشگاه‌های منتسب به آیین مهرپرستی در سایر مناطق باشد. با این تفاسیر، این پژوهش در صدد پاسخگویی به دو سؤال بنیادی در رابطه با: گاهنگاری نسبی و زمان ایجاد نیایشگاه؟ و کاربری فضایی آن؟ است. فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های مطرح شده عبارتند از کاربری به‌عنوان نیایشگاه اسلامی (خانقاه، مسجد) و زمان ساخت آن نیز بر اساس مبانی گاهنگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به بعد از دوره سلجوقی، یعنی ایلخانی می‌باشد که شواهد آن در خود مجموعه دستکند وجود دارد که در راستای انجام پژوهش حاضر این فرضیات به عنوان نتایج پژوهش اثبات شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پس از کشف نیایشگاه‌های صخره‌ای در ایران در چند دهه اخیر، گاهنگاری و کاربری این آثار همواره مورد بحث بوده است. به‌دلیل ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته است که آن‌را به آیین

از آغاز دهه ۵۰ خورشیدی در بیشتر مواقع معماری صخره‌ای به‌خصوص فضاهای نیایشگاهی دستکند را به آیین مهرپرستی منسوب دانسته‌اند. عمده‌ترین دلیل پژوهشگران در انتساب این فضاهای دستکند به آیین مهرپرستی قرارگیری نیایشگاه‌های صخره‌ای در دامنه کوه‌ها و مهرابه‌های است که در کشورهای اروپایی، کشف شده‌اند (Rahbar, 2013: 29). با توجه به اینکه مهربان معتقدند؛ مهر در غار و از سنگ متولد شده (Common, 2007: 144) و کشته شدن گاو به دست او در غاری روی داده است (Vermazern, 2004: 81)، بر همین اساس غارها اولین مکان‌هایی بودند که مهربان برای نیایش مهر از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند (Beck, 2006: 102)، بنابراین ویژگی بارز دستکند (غار) بودن برخی معابد میترایی در اروپا (Shorthaim, 1992: 113)، سبب شده است؛ که هر فضای معماری که در ایران با این سبک و سیاق پدید آمده را معبد مهری معرفی کنند و این در حالیکه شواهد دیگری که در میترائیوم-های رومی یافت شده، از این آثار شناسایی نشده است (Labaf Khanaki, 2012: 100-101). با این وجود برخی از محققین ایرانی (Azad, 2005؛ Varjavand, 1976؛ Shekari niri, 1993) در مطالعات خود غارهایی را با عنوان معابد مهری معرفی کرده‌اند که مدارک قابل قبول برای انتساب غارهای فوق به آیین مهرپرستی و دوره شکل‌گیری آن ارائه نکرده‌اند (Sattarnezhad et al, 2018: 79). احمد حامی فهرست مفصلی از مهرابه‌های ایران منتشر کرده است. در این فهرست، هر ساختمان، غار، امامزاده و کلیسایی با‌عنوان نیایشگاه مهری نامیده شده است (Rahbar, 2013: 29)، تاکنون محوطه‌های چون امامزاده معصوم مراغه (Varjavand, 1976؛ Shekari niri, 2019)، قدمگاه آذرشهر (Varjavand, 1976؛ Shekari niri, 2020)، مسجد سنگی داراب (Vardjavand, 1975)، ابادر نیر (Shekari niri & Mirfatah, 1996)، روستای صخره‌ای صور بناب، ویند کلخوران سرعین، غار کوگان لرستان، غار

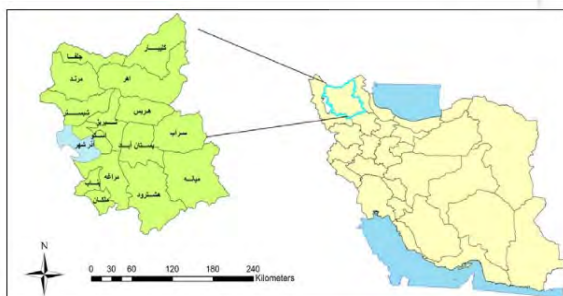
مطالعات خود عموماً ادامه‌دهنده فرضیه ورجاوند پیرامون مهربابه بودن این نیایشگاه پرداخته‌اند و دلایل کافی و تازه-ای مطرح نکرده‌اند. نگارنده در پژوهش حاضر به ارائه گاهنگاری نسبی این نیایشگاه، متفاوت با آنچه تاکنون از آن ارائه شده و ماهیت کارکردی آن پرداخته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و بر اساس مطالعات میدانی است. نگارنده امیدوار است با استناد به نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در سایر مناطق و همچنین با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون معابد صخره‌ای باقی‌مانده از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، بتوان به پرسش‌های مطرح در خصوص این مجموعه پاسخ منطقی و مستدلی ارائه داد.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان آذرشهر در پهنه جغرافیایی شمال‌غرب ایران در شمال استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. شهرستان آذرشهر از شمال محدود به شهرستان اُسکو، از جنوب به عجب‌شیر و از غرب نیز به دریاچه ارومیه ختم می‌شود (Kambakhshfard, 1994: 2). محوطه دستکند قدمگاه در روستای بادامیار یا قدمگاه که در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر واقع شده است (Karang, 1995: 482) (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت شهرستان آذرشهر (Author, 2020)

مهرپرستی نسبت دهند. نیایشگاه دستکند قدمگاه در آذرشهر یکی از این نمونه‌هاست که تاکنون پژوهش‌هایی چند در رابطه با آن انجام گردیده که متأسفانه در تمامی آن‌ها بدون آنکه خود محوطه بررسی جامعی شود؛ با ارجاع به یک منبع و تقلید صرف از آن نسخه، تلاش کلی بر آن شده تا این اثر را به عنوان یک معبد مهری معرفی نمایند؛ بنابراین اهمیت و ضرورت پژوهش دقیق باستان‌شناختی در این محوطه که بستر مناسبی برای مطالعه نیایشگاه‌های صخره‌ای است، بیشتر تأکید می‌گردد.

پیشینه مطالعاتی پژوهش

محوطه قدمگاه آذرشهر در سال ۱۳۴۶ خورشیدی توسط هیأت متشکل از سیفاله کامبخش‌فرد، محمود موسوی و ذبیح‌الله رحمتیان مورد بازدید و مطالعه قرار گرفت، کامبخش‌فرد در مقاله‌ای با عنوان «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه» از این فضای دستکند با عنوان یک فضای آیینی متعلق به سده میانی اسلام نام برده است (Kambakhshfard, 1994: 145). در سال ۱۳۵۰ ولفرام کلایس سرپرست هئیت باستان‌شناسی آلمانی از این محل بازدید کرد و کاربری آن را انبار آذوقه در دوره پیش از تاریخ در نظر گرفت (Kleiss, 1972: 176-178). پرویز ورجاوند، در سال ۱۳۵۲ فرضیه نو پیرامون ماهیت کاربری فضای دستکند قدمگاه مطرح کرد. به عقیده ورجاوند این فضای دستکند، معبد مهری است (Varjavand, 1976)، هرچند نظریه ورجاوند بدون دلایل و شواهد کافی است، مورد استقبال پژوهشگران بعدی قرار گرفت. غیر از کامبخش‌فرد، کلایس و ورجاوند که سه نظریه متفاوت در مورد دستکند قدمگاه آذرشهر ارائه داده‌اند، عمرانی و مرادی در مقاله‌ای خود این فضای دستکند را بازمانده یک گوردخمه از دوران ایلخانی در نظر گرفته‌اند (Moradi & Omrani 2020). پژوهشگران دیگر از جمله لباف خانکی (2012)، علی جباری و فراهی‌نیا، میترا آزاد و غیره نیز به مطالعه این فضای دستکند پرداخته‌اند. این پژوهشگران در

توصیف و معرفی نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه

نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه در فاصله ۴۰ کیلومتری آذرشهر قرار دارد (Alijabari & Farahinia, 2017, 1036). این نیایشگاه به صورت دستکند در دل صخره ایجاد شده است (Labaf Khanaki, 2012: 101). نزدیک‌ترین آبادی به این معماری صخره‌ای، روستای بادامیار (قدمگاه) است؛ که در فاصله ۱ کیلومتری سمت شرقی آن و مختصات جغرافیایی ۵۸۹۴۶۱.۰۰ متر شرقی و ۴۱۷۰۳۴۵.۰۰ متر شمالی و ارتفاع ۱۵۵۴ متر از سطح دریا واقع شده است. محوطه دستکند قدمگاه در دامنه شیب کوه و بستر سنگ رسوبی ایجاد شده که امروزه با عنوان معبد قدمگاه شناخته می‌شود. در پای صخره، رودخانه‌ای جریان دارد و آبشاری کوچک از صخره آن - سوی رود به داخل آن می‌ریزد (Azad, 2005: 52).

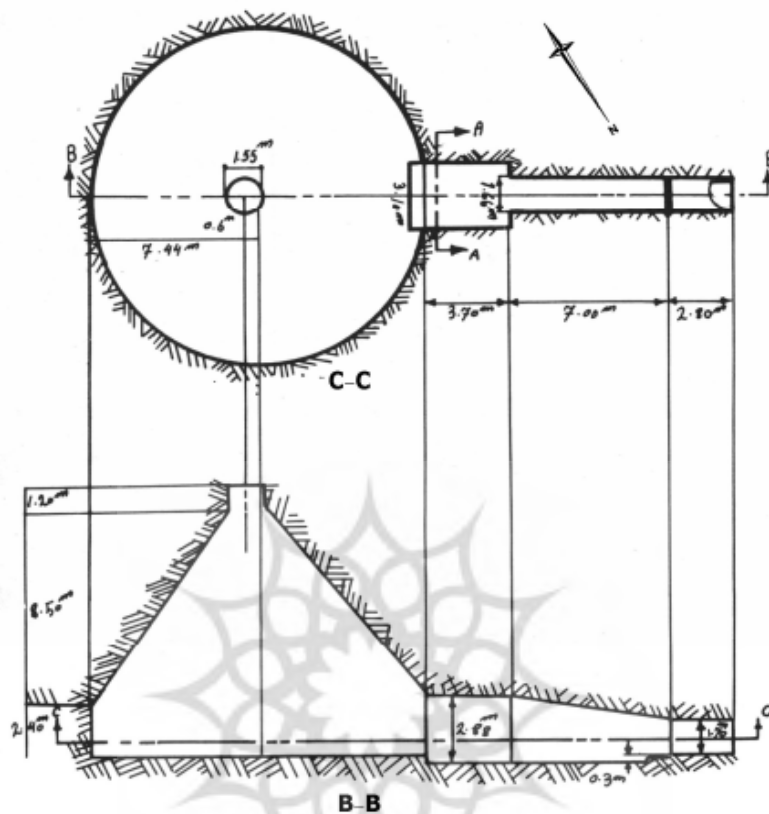
فضای دستکند مورد بحث درگاه سنگی دارد که از آن وارد دهلیزی باریک شد، در فاصله دو متری، یک طاق سنگی که ظاهر طاق درون سنگی قدیمی غار بوده، قرار گرفته است. این طاق قابل مقایسه با طاق محراب مصلی آذرشهر می‌باشد که در دوره ایلخانی تراشیده شده است. از این طاق تا درون غار باید راهرو ده متری باریکی را پیمود. ناگفته نماند که پای طاق سنگی هر دو کمی از سطح زمین بلندتر است که مانع ورود آب به درون فضا شود (Karang, 1995: 490). قاب سنگی مذکور مرکب است از دو پایه و یک قوس سنگی که بر روی آن قطعه سنگی که بر روی دو پایه قرار دارد، چنان تراش داده شده که بالای ورودی را به صورت یک قوس تیزه‌دار با دو لچکی در دو جانب آن در آورده است. بر روی

هر یک از لچکی‌ها نقش یک گل رز با دوازده گل‌برگ به صورت برجسته کنده شده است. بالای تیزه قوس نیز نقش جالبی به صورت دو چند ضلعی متقاطع شبیه عدد هشت لاتین کنده شده است. ارتفاع از کف تا زیر تیزه قوس ۱/۱۵ متر است و از این رو برای ورود به معبد باید به طور کامل خم شد و قدم به درون گذارد. حجاری این ورودی تزئینی چنین می‌نماید که از قرن هفتم هجری کهن‌تر نباید باشد (Varjavand, 1976: 5) (شکل ۲).

فضای اصلی قدمگاه به فرم مخروطی که قطر دایره قاعده آن بین ۱۵ تا ۱۵/۷۰ متر در نوسان است. ارتفاع مخروط ۱۲/۳۰ و قطر دهانه نورگیر بالای مخروط ۱۰۵ سانتی‌متر است (شکل ۳) تنها در بدنه سمت راست یک قاب مستطیل شکل واقع گشته که درون آن یک قوس تیزه‌دار و سه فرورفتگی به شکل مقرنس ایجاد شده است (Varjavand, 1976: 6). بر روی دیواره جنوبی یعنی قبله، محراب تراشیده شده است (Kleiss, 1972: 177). بر روی دیواره مدور طاقچه‌های کوچکی برای استقرار شمع و چراغ به منظور روشنایی ایجاد شده که در سطح دیواره فضای دستکند آثار و شواهدی از تراش باقی مانده است (Kambakhshfard, 1994: 5). کف معبد به وسیله سنگ‌های بزرگ صیقل خورده پوشانده شده است و شواهدی از ملاط در میان سنگ‌ها نمی‌توان مشاهده کرد. روشنایی درون فضای دستکند به وسیله منفذ مدور ایجاد شده در مرکز گنبد و پیه‌سوز تأمین می‌شد. این اثر دستکند در سال ۱۳۴۷ از سوی وزارت فرهنگ و هنر با شماره ۷۷۹ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسید (Sattamezhad, 2016: 58).



شکل ۲. دهانه ورودی نیایشگاه قدمگاه (Author, 2020)



شکل ۳. پلان و مقطع نیایشگاه قدمگاه آذرشهر (Varjavand, 1976).

قبرستان محوطه

گورستان روستای بادامیار یا قدمگاه در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر و مجاور نیایشگاه دستکند بر قراز تپه‌ای بزرگ قرار گرفته است. سنگ‌نیشته‌ها و مجسمه‌هایی قوچ، شیر و کتیبه‌هایی روی الواح سنگ‌قبرها با خطوط کوفی و ثلث از آثار تاریخی مهمی است که در این گورستان به چشم می‌خورد (Pourrajabi, 2004: 149). بر حاشیه فوقانی

دیواره‌های سنگ‌های ساده فقط اسم صاحب قبر و تاریخ فوت نقر گردیده است. سنگ‌قبرهای این گورستان عمدتاً متعلق به امرا، عرفا و مشایخ می‌باشد. با عنوان مثال در حاشیه سنگ قبری عبارت «کلشی هالک الاوجهه وله الحکیم و الیه ترجعون، هذا روضه المرحوم المغفور الشیخ الاعظم الاکرم غفرالله ذنوبه علیجناب پیرطاهر بن پیرمیرحسین رحمه الله علیه، سنه ... تسعمائه هجری» نقش بسته است (Karang, 1995: 483) (شکل ۴).



شکل ۴. قبرستان تاریخی محوطه نیایشگاه دستکند (Author, 2020)

کارکرد فضای دستکند

بایستی فضای دستکند مورد بحث را با معابد مهری کشف و شناسایی شده مقایسه نمود. تاکنون در اروپا و آسیای جنوب غربی بیش از چهارصد اثر تاریخی مرتبط با آیین میترائیسم کشف و شناسایی شده (Clauss, 2002: 21) که نقشه این مهرابه‌ها به شکل مستطیل کشیده‌ای است (Soltanzadeh & Ashtiani, 2011: 74). این میترائیوم‌ها عمدتاً سه بخشی می‌باشد، بخش نخست پیش تالار، بخش دوم به صورت یک تالار طویل و بخش سوم را فضای اصلی جایگاه تشکیل می‌دهد (Labaf Khanaki, 2012: 100). همچنین در طرفین راهروی مرکزی نیمکت‌های سنگی طویل وجود دارد (Vermazern, 2004: 50). در معابد مهری و برخی از محوطه‌های دوران اشکانی عناصر تزئینی و نمادین چون نقش مار (Vermazern, 2004: 187)، تندیس مهر (Hopfe, 2008: 19; Clauss, 2001, 81)، عناصر هفتگانه

یکی از فرضیات مورد پذیرش شماری از محققان، پیرامون فضاهای دستکند آیینی - دینی، کاربری آن‌ها مرتبط با آیین مهرپرستی است (Homayoun, 1972: 87). معمولاً ساختار صخره‌ای (غار) نیایشگاه‌های اروپایی (Beck) 10, 2006 الگوی برخی از پژوهشگران و نویسندگان ایرانی درباره‌ی انتساب نیایشگاه‌های صخره‌ای به معابد مهری است؛ اما اینان مدارک قابل قبولی برای انتساب غارهای فوق به مهر، ارائه نکرده‌اند (Rahbar, 2013: 29). با این وجود نخستین فرضیه پیرامون فضاهای نیایشگاهی دستکند، ارتباط آن‌ها با آیین مهرپرستی و دوره تاریخی ایران است. با فرض پذیرش این کارکرد، زمان ایجاد نیایشگاه دستکند قدمگاه به دوره اشکانی باز می‌گردد (Biscione, 2006: 303) (& Khatib shahadi)؛ بنابراین برای تأیید یا رد این کاربری

این نیایشگاه با معابد مهری را نشان می‌دهد (جدول ۱). در هر صورت، بنابر آنچه گفته شد نیایشگاه دستکند قدمگاه، نیایشگاهی متفاوت از معبد مهری است و دلایل پژوهشگران در انتساب این نیایشگاه به آیین مهرپرستی فاقد دلایل کافی و قابل استناد است.

(شیر، پدر، سرباز، کلاغ و غیره) و موزاییک‌کاری کف معابد کشف و شناسایی شده که نمونه مشابه آن، در نیایشگاه دستکند قدمگاه، تاکنون شواهدی از این عناصر تزیینی و هنری و نمادین گزارش نشده است؛ بنابراین مقایسه سازمان و الگوی فضایی، سیرکولاسیون، سلسله مراتب فضایی، تزیینات معماری و اسناد تاریخی، تفاوت‌های آشکاری میان

جدول ۱. مقایسه شباهت و تفاوت نیایشگاه قدمگاه با میترائیوم‌های باقی‌مانده در اروپا (Author, 2020)

نیایشگاه‌ها	موقعیت مکانی	فرم	سازمان فضایی	سلسله مراتب فضایی	مجاورت فضایی	تزیینات معماری
میترائیوم‌های رومی	قرارگیری در کنار رودخانه و چشمه	فرم و شکل غار مانند دارند	الگوی سازماندهی کلی فضاها در میترائیوم‌های رومی خطی است	تقریباً تمام معابد مهری دارای سلسله مراتب فضایی هستند. انتهای‌ترین فضا که جایگاه مقدس باشد با یک یا چند پله از فضای قبلی ارتفاع می‌یابد.	اغلب معابد مهری دارای الگوی مجاورت فضایی یکسانی هستند.	میترائیوم‌های رومی دارای عناصر تزیینی و حتی پیکرک میترا است.
قدمگاه آذرشهر	کنار نهر آبی واقع شده است	نیایشگاه دارای فرم غار است.	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد

رهیافت تاریخ معماری نیایشگاه دستکند

در بررسی آثار دستکند، پی بردن به زمان ایجاد و دوره‌های زمانی استفاده از آن‌ها اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تعیین زمان اولیه ایجاد مجموعه‌ها جز در مواردی که کتیبه یا نوشته همراه داشته باشد، عملاً مقدور نیست؛ اما می‌توان دوره‌های زمانی استفاده از این آثار را با استفاده از شیوه‌های مختلف تشخیص داد، از جمله کاوش‌های باستان‌شناختی، شواهد معماری (نوع پوشش‌ها سقف فضاها، تزیینات معماری) به طور تقریبی به دوره‌های زمانی آن پی‌برد (Mohammadifar & Hematiazandaryani, 2016: 109). حال آنکه در تاریخ‌گذاری زمان ایجاد و دوره‌های زمانی

استفاده از بنای دستکند قدمگاه آذرشهر کاستی‌های زیادی دیده می‌شود. محققان در تاریخ‌گذاری این نیایشگاه، به عناصر معماری و تزیینی ایجاد شده و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی منطقه توجه کمتری داشته‌اند. همان‌طور که اشاره شد زمان ایجاد نیایشگاه، به دوره پارتی در نظر گرفته شده است (Biscione & Khatib shahadi, 2006:303)؛ حال آنکه در ایجاد نیایشگاه دستکند در دوره پارت شک و تردید بسیاری وجود دارد. این امر از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است: نخست، بین معماری این نیایشگاه با بناهای دوره پارتی تفاوت‌های دیده می‌شود. پوشش سقف فضاهای دستکند دوران تاریخی چون ارزانفود همدان

معصوم و رجوی این قبیل پوشش‌ها را بعد از دوره ایلخانی به‌خصوص صفوی دانسته است (Ball, 1979). سایر عناصر معماری این فضای دستکند همانند تزیینات درگاه ورودی و محراب مربوط به دوران اسلامی است (Varjavand, 1976: 5) (شکل ۵)؛ بنابراین شواهدی از دوران تاریخی به‌خصوص اشکانی در این اثر صخره‌ای قابل مشاهده نیست؛ همچنین در بررسی باستان‌شناختی محوطه پیرامون نیایشگاه صخره-ای، آثار و شواهدی از دوران اسلامی قابل مشاهده است؛ بر همین اساس شواهدی دال بر انتساب این نیایشگاه به دوران تاریخی ایران نمی‌توان در نظر گرفت.

وقایع و حوادث تاریخی ایران دلیل دیگری بر اثبات ایجاد نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه در دوره اسلامی است، زیرا بر اساس متن کتیبه کعبه زردشت، کرتیر دستور ویرانی معابد سایر آدیان را داده است (Akbarzadeh, 2006: 89)، با توجه به وجود آتشکده مهم آذرگشنسب در منطقه آذربایجان و اهمیت این منطقه در دوره ساسانی برای طبقه حاکم آن دوران داشته است در نتیجه، پذیرش این امر بسیار دشوار و دور از ذهن می‌نماید که این نیایشگاه در دوره پارتی ایجاد شده و بدون تغییر و آسیب وارده تا دوره معاصر باقی‌مانده و مداوم مورد استفاده قرار گرفته است.

(Khaksar & Hematiazandaryani: 2012: 498) سامن، (Islahi, 2016: 75) غار کرفتو (Mohammadifar & Hematiazandaryani, 2016: 105) به‌صورت قوسی شکل است؛ که در نیایشگاه قدمگاه پوشش فضا به صورت گنبد ایجاد شده است (Alijabari & Farahinia, 2017: 1036). روند شکل‌گیری پوشش گنبد در تاریخ معماری ایران از اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی آغاز شده (Zamani, 1973: 48) و نخستین نمونه‌های آن در بناهای همچون کاخ اردشیر در فیروزآباد و قلعه دختر به‌کار رفته است. هرچند احتمالاً چنین گنبدهایی کوچکتر یا مشابه، قبلاً توسط روستانشینان با خشت ساخته شده بود ولی نمونه‌های آن از بین رفته است. در دوره اسلامی نمونه آجری گنبد در بناهای مذهبی همچون مساجد و مقابر به صورت فراگیر مورد استفاده قرار گرفته است. گنبد صخره‌ای قدمگاه از نظر نحوه تراش و پهنا بسیار شبیه به پوشش گنبد فضاهای دستکند امامزاده معصوم مراغه (Sattarnezhad et al, 2020) و آبادر نیر (Mirfatah & Shekariniri, 1996)، بنای خورموج (Varjavand, 1976: 5)، قلات حیدری (Ball, 1987: 98) و طبلشکین خرقان (Maraghi & Parhizkari, 2015: 99) است. وارویک بال در بررسی مجموعه دستکند امامزاده



محراب مسجد جامع مرند



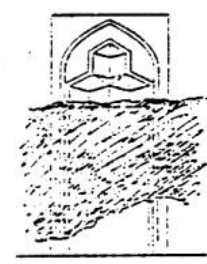
محراب صخره‌ای داش کسن (Scarcia, 1975: 104)



محراب سنگ‌قبر روستای ایوند مرند (Moradi et al, 2015)



سنگ قبر گورستان النجق (Moradi & Omrani, 2014: 61)



محراب قدمگاه آذرشهر (Kleiss, 1972)

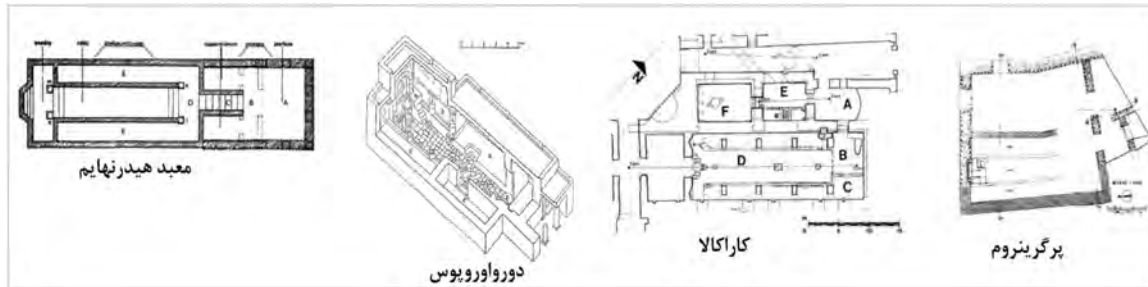
شکل ۵. فرم محراب صخره‌ای قدمگاه با نمونه‌های مشابه بناهای دوره ایلخانی (Author, 2020)

بحث

79: 2018, et al). با این حال ویژگی بارز صخره‌ای و غار مانند بودن معابد میتراپی در اروپا، سبب شده است که هر فضای معماری که در ایران با سبک و سیاق پدید آمده را معبد مهری معرفی کنند (Labaf Khanaki, 2012: 101)؛ که مقایسه پلان، ساختار فضایی و عناصر موجود به خصوص تندیس مهر در مهرابه‌های اروپا، تفاوت آن‌ها را با معابد منتسب به مهر در ایران را نشان می‌دهد. به طوری که مهرابه‌ها بسیار درویشانه و با معماری یکسان بنا شده و برای مهریان ظاهراً، جایی بیش از یک مکان ستایش و یا قربانی مستمر بوده است (Shorthaim, 1993: 113). بر این اساس بیشتر مهرابه‌های یافت شده در کشورهای اروپایی در قرن‌های دوم و سوم میلادی ساخته شده‌اند و ساختار کمابیش همانندی دارند. نقشه این مهرابه‌ها به شکل مستطیل کشیده‌ای است که محور طویل نیمی از آن‌ها در راستای شرقی - غربی و نیمی دیگر در راستای شمالی - جنوبی است (64: 2011, Soltanzadeh et al)؛ بنابراین الگوی سازمان‌دهی کلی فضاها در میترائیوم‌های رومی و مهرابه‌های ایرانی به صورت خطی می‌باشد (Labaf Khanaki, 2012: 104)، همچنین بناهای زیرزمینی و مذهبی در دوره پارت، شامل مهرابه‌ها (میترائوم) است که دارای طرح و کالبد مستطیل و شناخته شده‌ای است که در مدخل مهرابه نقش گاوگوشی مهر، نماد این جایگاه مذهبی است (Kambakhshfard, 1994: 173). نظیر چنین میترائیوم‌هایی در فرانسه (بورسنت آندئول)، آلمان (شوارتزدن)، یوگسلاوی (کاواتات اپیدورم)، معبد هیدرنه‌ایم، کاراکالا، دوراوروپوس، پرگرنوم شناسایی شده است (Labaf Khanaki, 2012: 97) (شکل ۶). پلان نیایشگاه قدمگاه آذرشهر برخلاف این مهرابه‌ها، به صورت فضای مدور گنبدی شکلی است (20: 1993, Shekari niri) که همین عامل یکی از مهم‌ترین تفاوت این فضایی آیینی - دینی با مهرابه‌های فوق است.

ساختار صخره‌ای (غار) نیایشگاه‌های اروپای، الگوی برخی از پژوهشگران و نویسندگان ایرانی درباره‌ی انتساب نیایشگاه‌های صخره‌ای به معابد مهری است (Sattarnezhad, 2016: 43)؛ با این حال، این پژوهشگران مدارک قابل قبولی برای انتساب غارهای فوق به مهر، ارائه نکرده‌اند (Rahbar, 2013: 29). بر همین اساس ورجاوند (Varjavand, 1976) در پژوهش خود پیرامون نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه بدون ارائه دلایل کافی و قابل اتکا، مهرابه بودن نیایشگاه را مطرح کرد الگوی که پژوهشگران بعدی به پیروی از نوشته ایشان، این نیایشگاه را به عنوان یک معبد مهری معرفی کرده‌اند (20: 1993, Shekari niri; 101: 2012, Labaf Khanaki; 29: 2006, Biscione & Khatib shahadi; 2017, Alijabari & Farahi nia) که نه از نظر مقایسه‌ای و استنباطی صحیح می‌باشد و نه از نظر باستان‌شناختی قابل قبول است.

آثار صخره‌ای بنا بر ضرورت و نیاز جوامع انسانی در آدوار مختلف و موقعیت‌های خاص و متفاوتی توسط انسان به وجود آمده (54: 2020, Sattarnezhad et al) که دارای کاربری‌های متفاوتی از جمله: محل سکونت، پناهگاه، انبار غلات و علوفه، محل نگهداری حیوانات و کاربری‌های دیگری بوده‌اند (38: 2017, Basafa et al) این گونه معماری به نوعی پاسخگویی به نیازهای اقلیمی بشر (Mohammadifar & Hematiazandaryani, 2016: 97) ایجاد شده است. در واقع می‌توان گفت محل اصلی معماری صخره‌ای حوزه سهند، لایه وسیع توف آتش‌فشانی گسترده شده در دامنه کوهستان سهند است که روستاها، آبادی‌ها و استقرارهای این منطقه را در خود جای داده‌اند. وجود چنین وضعیتی به واسطه لایه‌های توف‌های آتش‌فشانی کارپذیر و قابل حفاری، دامنه‌های کوه سهند را از هزاره‌های پیشین مأمن و مسکن گروه‌های انسانی ساخته است (45: 2016, Razani et al). بر همین اساس عامل مهرپرستی را نمی‌توان مهم‌ترین دلیل در شکل‌گیری فضاهای صخره‌ای در نظر گرفت (Sattarnezhad



شکل ۶. طرح برخی معابد مهری شناسایی شده در اروپا (Labaf Khanaki, 2012).

وجود محراب در داخل فضای دستکند قدمگاه (Kleiss, 1972) نشانگر کاربری نیایشگاهی فضا در دوران اسلامی است. بر اساس منابع تاریخی (Rawdat al-Jannan, 1970/2: 72-73) و شواهدی باستان‌شناختی، آذرشهر جایگاه مهمی در مقوله تصوف و عرفان دارد، به طوری که در دوره ایلخانی این منطقه عارفان بزرگی داشته که شاهد این مدعا، قبرستان‌های باقی‌مانده از آن دوران است؛ از جمله قبرستان محراب مصلی (Karang, 1995: 510)، قبرستان تورامین و پیرحیران، قبرستان مجاور نیایشگاه قدمگاه است. همان طوری که اشاره گردید سنگ‌نبشته‌ها، حجاری‌ها و مجسمه‌های متنوع در قبرستان قدمگاه به چشم می‌خورد (Kleiss, 1972). سنگ‌ها و الواح قبور به دو خط کوفی و ثلث نوشته شده‌اند. بر دو گوشه سنگ قبور خواجه علی و پیر چوپان عبارت (لاله الا اله) و (محمد رسول الله) و در زیر عبارت اول اسم خواجه علی در زیر عبارت دوم اسم پیر چوپان کند شده است. خواجه علی از مردم خوی به خدمت خواجه یوسف دهخوارقانی رسید و ارادت نمود؛ مرتبه بلندی احراز کرد. خواجه ابواسحق ابراهیم مشهور به پیر چوپان برادرزاده خواجه یوسف دهخوارقانی بود که در نزد خواجه علی تربیت یافت و به درجه کمال رسید. وی هفت زاویه در تبریز و دهخوارقان و اطراف آن بنا کرد و سرانجام در سال ۷۲۴ هجری در ایام سلطنت سلطان ابوسعید خان بهادر درگذشت. از سنگ‌نبشته‌ها بر می‌آید که خواجه علی بادامیاری در سال ۶۹۹ هجری قمری درگذشت است (Khamachi, 1972: 39) همچنین از سنگ‌نبشته‌های مقابر مشایخ نیز می‌توان به

بر اساس مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در فضاهای صخره‌ای؛ هیچ یک از شواهدی که در میترائیوم‌های رومی یافت شده، در این نیایشگاه شناسایی نشده است (Labaf Khanaki, 2012: 100-101)؛ بنابراین مدارک قابل قبولی برای انتساب این غارها به مهر، وجود ندارد (Rahbar, 2013: 29). تاکنون با وجود کاوش‌های باستان‌شناختی در فضاهای صخره‌ای از جمله ارزانفود همدان (Hemmatiazandariani, 2013) و (Khaksar, 2010)، غار نیاسر کاشان (Razmjou & Tafreshi, 2010)، امامزاده معصوم و رجوی (Sattarnezhad, 2016)، سامن ملایر، نوش‌آباد کاشان، سفید شهر، تپه قلعه و سایر محوطه‌های مشابه، شواهد و مدارک مربوط به آیین مهرپرستی کشف و شناسایی نشده است.

در رابطه با کاربری فضای دستکند برخلاف پژوهش‌های پیشین سندی دال بر مهرباه بودن در دست نیست، همان طوری که قبلاً اشاره شد صرفاً غار و صخره‌ای بودن مجموعه دلیل کافی برای مهرباه بودن نیایشگاه نمی‌تواند باشد بنابراین برای تبیین کاربری فضای دستکند قدمگاه از رویکرد باستان‌شناسی فضایی بهره گرفته شد؛ بنابراین در این مقاله تلاش شده تا به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضا در محیط درونی و بیرونی آن پرداخته شود که شامل محراب، قبرستان محوطه، فرم طاق سر در بنا و بستر تاریخی و فرهنگی و اجتماعی منطقه آذرشهر در طول تاریخ است؛ بنابراین با در دست داشتن عناصر فوق و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه به نتایج مطلوبی می‌توان دست یافت.

همچنین در تداوم رویکرد ایلخانان به تصوف، ابن بزاز در توصیف ارادت ابوسعید به صفی‌الدین اردبیلی می‌نویسد: شیخ با پادشاه سخن همچنان می‌گفت که با کودکی گویند (Ibn Bazzaz, 1998: 280)؛ بنابراین با توجه به تاریخ سنگ‌قبرها که عمدتاً مربوط به سده ۸ هجری است، فرم گنبد و طاق سنگی سردر این نیایشگاه را مربوط به تحولات سیاسی - اجتماعی دوره ایلخانی (بعد از غازان‌خان) می‌توان در نظر گرفت. این محوطه دینی - آیینی همانند محوطه امامزاده معصوم مراغه (Kambakhshfard, 1994) و اباذر نیر (Mirfatah & Shakariniri, 1996) به تدریج با افول تصوف در دوره صفوی تبدیل به مسجد (Varjavand, 1976: 8) و محوطه تدفینی شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات انجام شده در این پژوهش، تنها شباهت موجود میان نیایشگاه دستکند قدمگاه با مهرابه‌ها، در دستکند (غار) بودن مجموعه است. همان‌طوری که اشاره گردید، معماری دستکند در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است؛ که بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه شکل می‌گیرد. تنها بخشی از معماری صخره‌ای کاربری آیینی دارد؛ بنابراین صرفاً با در نظر گرفتن یک ویژگی نمی‌توان نیایشگاه‌های صخره‌ای را به آیین مهرپرستی منسوب کرد. با این وجود، نگاهی موشکافانه‌تر به جزئیات نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه، چنانکه در بالا به موارد مهمی از آن اشاره گردید، نکات ناگفته بسیاری را آشکار ساخته است. در پژوهش حاضر نگارنده با ارائه دلایلی چون ۱- سبک پوشش گنبدی فضا که قابل مقایسه با گنبدهای دوران اسلامی به‌خصوص دوران ایلخانی و پس از آن است؛ ۲- وجود محراب در دیواره جنوبی فضا که نشانگر جهت قبله است؛ ۳- شواهد باستان‌شناختی چون سنگ‌قبرها و شکل سر در فضا که تعلق آن‌ها را به قرون میانی اسلامی نشان می‌دهد؛ ۴- مطالعه تطبیقی پلان

کتیبه قبر پیرطاهر بن پیرمیرحسین چوپانی و قبربابا شیخ چوپانی اشاره کرد (Karang, 1995: 487). بر اساس قبور مشایخ اطراف نیایشگاه می‌توان حدس زد که بنای مذکور، محل خانقاه و زاویه عرفا و مشایخی چون پیر چوپان، خواجه علی و دیگر مشایخ مشهور منطقه آذرشهر بوده (Sattarnezhad et al, 2020: 159) که نام برخی از آن‌ها در منابع عرفانی ذکر شده است (Rawdat al-Jannan, 1970/2: 72)، بر همین اساس این نیایشگاه به عنوان عزلتگاه عرفا و مشایخ معروف بوده که قبرستان اسلامی در کنارش حکایت از آن دارد (Shekari niri, 1993: 20). هرچند که خانقاه‌ها دارای ساختارها و فضاهای خاص از جمله داشتن محل چله - خانه و ریاضت است که احتمالاً فضاهای چله‌خانه به مرور تخریب شده یا زیرآواری از خاک مدفون شده است.

خانقاه‌ها برخلاف مدرسه‌ها به شهرهای بزرگ اختصاص نداشت. مشایخ تصوف معمولاً در بیرون از شهرها در آبادی‌های دوردست زندگی می‌کردند و هر جا پیری بود خانقاهی نیز وجود داشت و خانقاه مناسب‌ترین جا برای مسافران بود. گرچه پیدایش و گسترش مفهوم خانقاه در قلمرو کشورهای اسلامی امری است که تاریخ معینی بر آن نمی‌توان یافت؛ زیرا خانقاه به مفهوم محلی برای آسودن و اعتکاف، همیشه وجود داشته و قدر مسلم این است که در قرن چهارم اماکنی برای تجمع صوفیان در بسیاری از شهرها و روستاها وجود داشته است (Ibn Munawwar, 1992: 127). در دوره ایلخانی با رواج اسلام و تدین ایلخانان به دین اسلام و تمایلشان به تشیع، تصوف را در این دوره تقویت کرده و در ایجاد و توسعه خانقاه‌ها و توجه به اهل تصوف مؤثر بوده است (Mortazavi, 1991: 188) به طوری که گرایش غازان‌خان به اسلام و حمایت گسترده‌ی وزیرش رشیدالدین فضل‌الله از مشایخ صوفی، فصل نوینی را در گسترش تصوف گشود. غازان‌خان که مرید شیخ زاهد گیلانی بود (Ibn Bazzaz, 1998: 38-39)، در ایام دولت آن پادشاه عالی همت به موجب فرمان او در جمیع قری و قصبات ولایات عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان حمامات و مساجد و خواتق ساختند (Khandmir, 2001/3: 189)،

پی‌نوشت

باستان‌شناسی فضاها تلاشی است علمی در جهت بازیافت اطلاعات از ارتباطات فضایی و همچنین الگوهای رفتاری انسان در ارتباط با فضاهایی معماری و شبکه‌های درون سایتی و برون سایتی پیرامون آن‌هاست (Karimian, 2005: 112-113).

حافظ حسین کربلایی روایت کرده است: «حضرت خواجه یوسف دهخوارقانی در نگه داشتن چند چیز به برادرزاده خود وصیت کرده بود. یکی خرقة حضرت رسول و... یکی دیگر کوه بادامیار و آنگاه خود اظهار نظر کرده که غرض از سفارش کوه بادامیار، قری، مبارکه بادامیار است که همیشه در آن جا اهل الله ساکن بوده‌اند الی یومنا هذا چه از اولاد حضرت پیرچوپان ولی و چه غیر ایشان ...» (Rawdat al-Jannan, 1970: 79-80).

سپاسگزاری

از تمامی کسانی که نویسنده را در انجام پژوهش حمایت کرده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسنده تهیه شده است.

تعارض منافع

این مقاله پژوهشی مستقل است که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است. در انجام مطالعه‌ی حاضر، نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

و شواهد باقی‌مانده از آیین مهرپرستی در معابد مهری شناسایی شده در مناطق مختلف با نیایشگاه قدمگاه، تفاوت-های آشکاری میان آن‌ها را نشان می‌دهد. به‌طوری که پلان معابد مهری مستطیلی بوده و عناصر تزینی و نمادین چون نقش مار، پیکره مهر، کلاغ و غیره در آن‌ها باقی‌مانده است. این در حالی است؛ که پلان نیایشگاه قدمگاه به‌صورت مدور بوده و فاقد هرگونه عناصر مهرپرستی است. ۵- مطالعه و تحلیل در اوضاع سیاسی و مذهبی منطقه آذربایجان ایران به‌خصوص شهرستان آذرشهر در دوران اسلامی نشان می‌دهد که تصوف در این منطقه در دوران ایلخانی و پس از آن از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. به‌طور کلی دلایل بالا نشان می‌دهد که نیایشگاه قدمگاه برخلاف باور پژوهشگران پیشین، در دوران پارتی تراشیده نشده است؛ بلکه این نیایشگاه در دوران اسلامی (ایلخانی) ایجاد شده است.

آنچه در پژوهش حاضر مسجل شد؛ معماری صخره‌ای آیینی - دینی در دوران اسلامی با ورود مغولان و گسترش تصوف خانقاهی رونق پیدا کرد و فضاهایی دستکند زیادی در منطقه شمال غرب ایران شکل گرفت. اگرچه هنوز هم تعیین تاریخ دقیق و بی‌کم و کاست این اثر و نمونه‌های مشابه در سایر مناطق به‌طور قطعی ناممکن است، به گمان نگارنده، با توجه به مواردی که پیش‌تر گفته شد، نیایشگاه دستکند قدمگاه آذرشهر، قدمت اسلامی دارد که در راستای سیاست-های گسترش تصوف در دوره ایلخانی شکل گرفته است. در انتها امید آن است که این مطالعه راهگشای پژوهش‌های نوینی برای گاهنگاری و تبیین کارکرد دقیق‌تر دیگر معابد دستکند منتسب به آیین مهر، در ایران باشد.

Referencess

- Akbarzadeh, Dariush (2006), Carter Inscriptions of Priests, Tehran: Pazineh, [Persian].
- Alibaigi, S., Bisotuni, A. M., Rahimi, F., Khosravi, S., & Alibaigi, H. (2017). The Late Sasanian Treasury of Qouri Qaleh Cave: Votive Offerings for a Mithra Temple in Kermanshah, Western Iran. *Iran*, 55(2), 227-252. [DOI:10.1080/05786967.2017.1355515]
- Alijabari, Zohre & Farahi nia, Amir hossein (2017), Analyzing Architecture of Mithraism Rock Temples, History Culture and Art Research, 1030 - 104. [Article] [DOI: 10.7596/taksad.v6i3.975]
- Azad, Mitra (2005), Iranian Rock Shrines, Book of the Moon and Art, pp. 62-46.
- Basafa, Hassan, Mohammad Sadegh Davari and Mohammad Hossein Rezaei (2017), Investigation and analysis of the use of hand-carved spaces on the outskirts of Varton Spa, Isfahan Province, Bagh-e Nazar Magazine, Volume 14, Number 52, pp. 48-37. [Persian]. [Article]
- Beck, R. L (2006), The Religion of the Mithras Cult in the Roman Empire. [DOI:10.1093/acprof:oso/9780199216130.001.0001]
- Biscione R, Khatib Shahidi (2007), Iranian-Italian, archaeological survey in Estern Azerbaijan, provisional report on the 2006 -2006 field season, Tehran, vol I, PP 25-34
- Clauss, M (2000), The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries, Translated by Richard. [Book]
- Common, Franz (2007), Din Mehri, translated by Ahmad Ajoudani, Tehran: Third.
- Hemmatiazandariani, Ismail and Ali Khaksar (2013), A Look at Archaeological Research, Hamedan Cheap Food Underground Architecture Collection, Proceedings of the Third International Conference of Young Archaeologists, Tehran: Book Heritage Publications. [Persian].
- Homayoun, Gholam Ali (1972), Kandovan village, historical studies, year 12, number 1, pp. 215-214. [Persian].
- Hopfe, L.M., (2008). Archaeological Indications on the Origins of Roman Mithraism. *Uncovering Ancient Stones: Essays in Memory of H. Neil Richardson*, pp.147-58.
- Hozhabri, Ali (2018), "Study of a part of the architecture of Dastkand Cave of Kerfto; Mehrkadeh of the Persian Cave ", in: Autumn Exchange; Celebration-letter of Dr. Mohammad Rahim Sarraf, by Shahin Ariamanesh, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute, First Edition, pp. 331-354
- Ibn Bazzaz, Darwish Tawakul Ibn Ismail Ibn Haji Tavakoli Ardabili (1998), The Basis of Sunni Religions in the Positions of Sufism or Safwat Al-Safa, edited by Ghulam Reza Tabataba'i Mujjid, Tehran: Zaryab. [Persian].
- Ibn Munawwar, Mohammad (1992), The Secrets of Unity in the Authorities of Sheikh Abu Saeed, Corrections and Comments by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, Third Edition, Tehran: Agah. [Persian].
- Islahi, Vahidreza (2016), Preservation and Restoration of Dastkand Samen Architecture, with emphasis on reviving its main entrance, Master Thesis in Restoration and Restoration of Historic Buildings and Textures, Isfahan University of Arts, has not been published. [Persian].
- Kambakhshfard, Saifullah (1994), Archaeological Surveys of Azarshahr and Maragheh, another article about the construction of several monasteries and mosques, *Journal of Cultural Heritage*, No. 12. [Persian].
- Karang, Abdolali (1995), Historical Monuments of Azerbaijan, Tehran: Works Association. [Persian].
- Karimian, Hassan (2005), The Necessity of Utilizing New Theories in the Analysis of the Spatial Structure of Ancient Textures, *Journal of the Faculty of Arts and Humanities, University of Tehran*, No. 56, 121-111. [Persian].
- Khamachi, Behrooz (1972), Azarshahr Dehkharaqan, Tehran: Farhang Publications. [Persian].

- Khandmir (2001), History of Habib Al-Seer, Volume 3, edited by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Khayyam. [Persian].
- Kleiss, Wolfram (1972), Qadamgah in Azerbaijan, Bericht uber Erkundungsfahrten in Iran im jahre, AMI, 176-178.
- Kleiss, Wolfram (1975), Archaeological Reports in Iran, translated by Soroush Habibi, Tehran: Translation and publication of the book.
- Labaf Khanaki, Meysam (2012), Comparative Analysis of a Special Form in Dastkand Architecture, Journal of Works, No. 58, pp. 108-94. [Persian].
- Maraghi, Somayeh and Mehrzad Parhizkari (2015), Dastkand Architecture in Kharqan Qazvin Region, Journal of Works, No. 70, pp. 108-93. [Persian].
- Mirfatah, Ali Asghar and Javad Shekari niri (1996), Abazar Rock Village, work, Nos. 26 and 27, pp. 85-60. [Persian].
- Mohammadifar, Yaqub; Hemmati Azandariani Ismail (2016), Study and study of Dastkand architecture of Iran, housing and rural environment, No. 156, pp. 110-97. [Persian].
- Moradi, A. and Omrani, B., (2020). New Horizons Towards Three Rock-Cut Tombs (13th-14th CE) from Northwest Iran. The International Journal of Humanities, 27(2), pp.53-69.
- Moradi, Amin and Omrani, Behrooz (2014), Historical Recognition and Decorations of Alaki Caravanserai, Bagh-e Nazar, No. 28, Year 11, pp. 14-3. [Persian].
- Moradi, Amin, Rasoul Mousavi Haji and Behrouz Omrani (2015), A Comparative Study of the Morphology of the Ilkhanate Altar of Azerbaijan, Proceedings of the National Archaeological Conference of Iran, Birjand: Birjand University. [Persian].
- Mortazavi, Manouchehr (1991), Problems of the Ilkhanate, Tehran: Agah. [Persian].
- Pourrajbi, Massoud (2004), Cultural Heritage and Tourism of East Azerbaijan, Tabriz: Ehsas. [Persian].
- Rahbar, Mehdi (2013), Architecture of Mehri Temples in Iran, Kondokav Magazine, No. 8, Year 5, pp. 41-28. [Persian].
- Raisinia, Rahim (1989), Azerbaijan in the course of Iranian history, Volume 1, Tabriz: Nima. [Persian].
- Rawdat al-Jannan Janat al-Jannan (1970), Hafez Hossein Karbalaee, Volume 2, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [Persian].
- Razani, Mehdi, Seyed Mohammad Amin Emami and Alireza Baghban (2016), Classification and analysis of the use of rock architecture on the slopes of Sahand volcanic mountain in northwestern Iran, Iranian Studies, Volume 6, Number 2, 60-41. [Persian].
- Razmjou, Shahrokh and Babak Amin Tafreshi, "Niasar Cave: A Man - Made Mitra Temple, http://www.cais-soas.com/CAIS/Archaeology/Pre-History/niasar_cave.htm> Accessed: 12/06/2010.
- Sattarnezhad, saeid (2016), Study and study of Dastkand architecture in Maragheh city, Master Thesis in Archeology, Mohaghegh Ardabil University, unpublished. [Persian].
- Sattarnezhad, Saeid and Shahbazi Shiran, Habib and Maroofi Aghdam, Ismail (2018), A Study and Analysis of the Applied Nature of the Rock Architecture of the Maragheh Observatory Hill, Iranian Studies, Volume 7, Number 2, pp. 92-75. [Persian].
- Scarcia, Gianroberto (1975), Vihar of Qonqor along Preliminary Report, East and West, Vol. 25, No. pp. 99-104.
- Shekari Niri, J., (2019). Formation of the Mithraic Temples in Northwestern Iran and Comparison with Roman Mithraeums. Space Ontology International Journal, 8(4), pp.37-56.
- Shekari niri, Javad (1993), Rock Architecture in Azerbaijan and Zanjan, Journal of Architecture and Urban Planning, Nos. 22 and 23, pp. 19-19. [Persian].
- Shekari niri, Javad (2006), Imamzadeh Masoom Maragheh, the Temple of Iranian Worship and Signs in European Temples, Iranian Studies, Volume 5, Number 10, pp. 125-109. [Persian].
- Shorthaim, Almar (1992), The Spread of an Iranian Religion in Europe, translated by Nader Gholi Derakhshani, Tehran: Mehr Publications. [Persian].

Soltanzadeh, Hossein and Sima Rezaei Ashtiani (2011), Spatial Structure of European Mehrabeh Architecture, Naghsh Jahan Magazine, No. 1, 81-53.

Sttarnezhad, Saeid; Hajizadeh, Karim; Reza, Reza; Maroofi Aghdam, Ismail, (2020), "Classification and analysis of Dastkand architecture in Maragheh city", Housing and Rural Environment, No. 170, pp. 66-53. [Persian].

Sttarnezhad, Saeid; Omrani, Behrooz, Naseri Soomeh, Hossein; Hosseininia, Seyed Mehdi, (2020), "Study and classification of the ritual-religious rock architecture of Maragheh city", Parseh Studies, No. 11, Year 4, pp. 167 - 153. [Persian]. [[DOI:10.30699/PJAS.4.11.153](https://doi.org/10.30699/PJAS.4.11.153)]

Varjavand, Parviz (1976), Qadamgah Shrine, a sign of a seal temple and a masterpiece of Iranian rock architecture, Iranian Journal of Architectural Culture, No. 2 and 3, pp. 17-4. [Persian].

Vermazern, Martin (2004), Mitra Religion, Naderzadeh's great translation, Tehran: Cheshmeh Publishing. [Persian].

Warvik, Ball (1979), The Imamzadeh Masum at Vardjovi: A Rock-Cut Il-khanid Complex near Maragheh, Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin, vol. 12, pp. 329-340.

Warvik, Ball (1987), Rock cut Monuments in Southern Iran, Iran, Vol. 24, pp. 95-115. [[DOI:10.2307/4299768](https://doi.org/10.2307/4299768)]

Zamani, Abbas (1973), The Two-Cover Dome in the Decoration of Islamic Historical Monuments of Iran, Art and People, No. 131, Volume 11, pp. 53-43. [Persian]